

## **Lām Alif(لا): The History of its Application and Status as an Alphabetic Letter**

**Article Type: Research**

**M.M.Hashemi\*<sup>1</sup>, S.Ala<sup>2</sup>**

<sup>1</sup>.Phd in Physics, Religion researcher, Tehran, Iran

<sup>2</sup>.Phd Persian literature student, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Abstract**

Apparently, the Arabic letters which are known today as Hamza (ء) and Alif (ا), were originally known and used in the past in the form of Alif (ا) and “Lām-Alif” (لا), respectively. In this article, we will introduce and study the application of the letter “Lām-Alif” in the Arabic and Kufic alphabets, which seems to be less known to many scholars today. To better clarify the issue, we will also introduce the original letter Alif (known today as Hamza) and study comparatively and historically both Alif and “Lām-Alif”. In the end, we will investigate about the letter “Lām-Alif” in the Islamic traditions.

This study was conducted with a library method. We will show that despite the transformation of Alif (ا) and Lām-alif (لا), respectively, into Hamza (ء) and Alif (ا) may have been the mainstream, but the application of the letter Lām-alif was not completely obsolete. The letter has been used during many centuries, not only in the authentic scripts of the Arabic literacy, but also in the popular scripts, and is even used in the Persian poems.

It will be also discussed whether the “Lām-Alif” was a single letter in nature or a compound letter by combining Lam (ل) and Alif (ا) as the latter belief is more accepted traditionally.

**Keywords:** Arabic alphabet, Kufic alphabet, Lām Alif(لا), Alif, Hamza

---

\*Corresponding Author

mhashemi2009@gmail.com

## تاریخچه، کاربرد و جایگاه لام الف (لا) به مثابه یک حرف

نوع مقاله: پژوهشی

محمد مسعود هاشمی\*؛ شراره علاء<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دکتری فیزیک، پژوهشگر ادیان، ایران، تهران

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

### چکیده

آنچه را امروزه مختصراً همزه و الف می‌نامیم، ظاهراً در گذشته و در اصل به ترتیب با الف و لام الف (حرف مستقل لا) مشخص می‌کرده‌اند. در این مقاله به معرفی و بررسی حرف لام الف در الفبای عربی و کوفی، و کاربرد و دلالت آن پرداخته‌ایم که امروزه حتی برای برخی کارشناسان ناآشنا است. طبعاً بدین منظور کاربرد و دلالت لام الف را با آنچه در حال حاضر همزه می‌خوانیم و در زمان کاربرد لام الف، الف خوانده می‌شده است، نیز مقایسه می‌کنیم. در مرور تاریخچه موضوع، به جایگاه لام الف در احادیث و روایات هم اشاره کرده‌ایم. در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای انجام شده، نشان خواهیم داد لام الف هرچند امروزه دیگر کاربرد ندارد حرفی است که رد و نشان آن آشکارا در ادبیات و رسم الخط عربی و فارسی باقی مانده و بی‌توجهی به تاریخچه و شکل و دلالت و جایگاه آن سبب می‌شود بخش‌هایی از ادبیات عربی و ادبیات فارسی گنگ و نامفهوم شود. از این جهت یادآوری حرف لام الف که مرکب یا واحد بودن آن نیز محل بحث بوده است، ضرورت دارد.

**کلیدواژه‌ها:** الفبای عربی، الفبای کوفی، لام الف (حرف لا)، الف، همزه.

## ۱. مقدمه و مبانی تحقیق

در سال ۱۳۶۳، استاد منوچهر ستوده در شماره ۱۲ مجله آینده پرسش جالبی را مطرح کرد (ستوده، ص ۸۵۴). پرسش درباره لام الف بود. به این پرسش در آن زمان پاسخ‌های مغتنم اما مجملی داده شد. از جمله پاسخ شایان توجه استاد علی اصغر فقیهی (فقیهی، ۶۳-۶۴) و آقای مجتبی کمره‌ای (کمره‌ای، ۶۴-۶۵). در این مقاله کوشیده‌ایم با پژوهش در تاریخ ماجرا پاسخی حتی المقدور جامع به آن پرسش فراهم بیاوریم.

امروزه معمولاً حرف الف در الفبای عربی اینگونه توصیف می‌شود:

اولین حرف از الفبای زبان عربی، الف است که خود دو گونه دارد:

۱- الف حرکت‌پذیر که نام دیگر آن همزه است .

۲- الف حرکت‌ناپذیر که همان فتحه بلند یا کشیده (~) است.

آنچه امروزه همزه و الف نامیده می‌شود، ظاهراً در گذشته به ترتیب الف و لام الف (لا) نامیده می‌شده است. به نظر می‌رسد امروزه این حرف لا و کاربرد آن برای بیشتر کارشناسان ناشناخته است. هر چند در طول تاریخ به کلی فراموش نشده و اشاره به آن از جمله در اشعار شعرای فارسی‌زبان دیده می‌شود و هنوز نیز (نزد کارشناسان ادبیات عربی) گاهی به آن اشاره می‌شود.

در این مقاله به معرفی حرف «لا» در الفبای کوفی و عربی و جایگاه و مفهوم و کاربرد آن می‌پردازیم. همچنین به موقعیت آن در زمان‌های مختلف و کاربرد و نفوذ آن در روایات اسلامی و ادبیات عربی و فارسی اشاره خواهد شد. نویسندگان این مقاله تاکنون پژوهش مستقل و مبسوطی راجع به این حرف مشاهده نکرده‌اند و بیشتر در منابع قدیمی‌تر به آن توجه شده است. اساس این تحقیق نیز منابع قدیمی و معتبر دستور زبان عربی به زبان‌های عربی و انگلیسی است.

بخش‌های مقاله شامل الفبای کوفی و عربی و معرفی حرف لا، مفهوم و کاربرد حرف لا و حرف الف، هویت، وجه تسمیه و شکل ظاهری حرف لا، منشأ حرف لا و جایگزینی الف و لا با همزه و الف، لزوم یا عدم لزوم وجود لا در الفبا و لام الف در روایات اسلامی هستند.

## ۲-۱. الفبای کوفی و عربی و معرفی حرف لا

مقایسه‌ی الفبای کوفی - که از اوایل اسلام برای کتابت قرآن استفاده می‌شده است - با الفبای عربی امروزی نشان می‌دهد که الفبای خط کوفی حرف «لا» را اضافه بر ۲۸ حرف الفبای عربی امروزی، در انتهای حروف الفبا قبل از حرف ی، دارد، ضمن آنکه حروف عربی مقداری تغییر شکل پیدا کرده‌اند (تصویر ۱).

	ي	لا	و	ه	ن	م	ل	ك	ق	ف	غ/ع	ظ/ط	ض/ص	ش/س	ز/ر	ذ/د	ح/خ	ث/ت	ا	
	E	LA	O	H	N	M	L	K	Q	F	AIN/GH	DTAZ	SAD/DH	S/SH	R-Z	D-TH	J-H-KH	B-T-TH	A	
Initial	ر			ه	ر	م	ل	ك	ق	و	ط	ص	ش	س	ز	ذ	ح	ث	ا	Initial
Medial	د			ه	د	م	ل	ك	ق	و	ط	ص	ش	س	ز	ذ	ح	ث	ا	Medial
Final	ا	لا	و	ه	ن	م	ل	ك	ق	و	ط	ص	ش	س	ز	ذ	ح	ث	ا	Final
Isolated	ا	لا	و	ه	ن	م	ل	ك	ق	و	ط	ص	ش	س	ز	ذ	ح	ث	ا	Isolated
Variations	ا	لا	و	ه	ن	م	ل	ك	ق	و	ط	ص	ش	س	ز	ذ	ح	ث	ا	Variations

تصویر ۱- الفبای کوفی مربعی (سکال، ۲۰۱۷)

به نظر می‌رسد معنی و نقش حرف لا به مرور تقریباً فراموش شده و امروزه عملاً از فهرست الفبای عربی نیز حذف شده است و احتمالاً افراد معدودی با این حرف و مفهوم و کاربرد آن تا حدودی آشنایی دارند. در بین لغت‌نامه‌های فارسی در لغت‌نامه‌ی دهخدا توضیحات خوبی در مورد آن داده شده است (دهخدا، ۱۳: ۱۹۵۶۴-۱۹۵۶۵): «لام الف. لام الف لا. نام الف ساکن باشد و در الفبا آن را به صورت «لا» ضبط کنند و از آن در حروف، الف را خواهند یعنی همزه‌ی ساکنه را.»

در اقرب الموارد آمده است: «و اما لا الواقعة فی احرف الهجاء بین الواو و الیاء فانما المراد بها الحرف الهاوی الممتنع الابتداء به لكونه لا یقبل الحركة. قال ابن جنی ان هذا الحرف علامة الالف

الینة و لما لم یکن التلّفظ به بنفسه لانه لا یقبل الحریة لفظوا معه باللام لیمكنهم التلّفظ به فاذا لفظته فقل فیہ لا و قول العامة لام الف غلط تستعمله مشایخ الکتاب لتمرین الاطفال فی تعلیم الحروف الهجائیة» (باب اللام، انتهای توضیح حرف ل، ۱۱۲۱).

همچنین ترجمه‌ی چند منبع قدیمی انگلیسی ارائه می‌شود:

در کتاب *A Grammar of Arabic Language* که چاپ اول آن سال ۱۸۵۹ م بوده، در حد چند جمله به آن اشاره شده است (رایت، ۱۹۷۶ م، ۳):

لام الف. در ترکیب با ل قبل از آن، شکل لا را تشکیل می‌دهد. این ترکیب لام-الف نامیده می‌شود و معمولاً بیست و نهمین حرف الفبا حساب شده و قبل از ی درج می‌شود. هدف از آن صرفاً تشخیص الف به عنوان مصوت بلند، از الف با همزه، ا است.

در کتاب *A Dictionary of the Persian and English Languages* (مولوی، ۱۸۸۵ م، ۴۸۰) این توضیح آمده است:

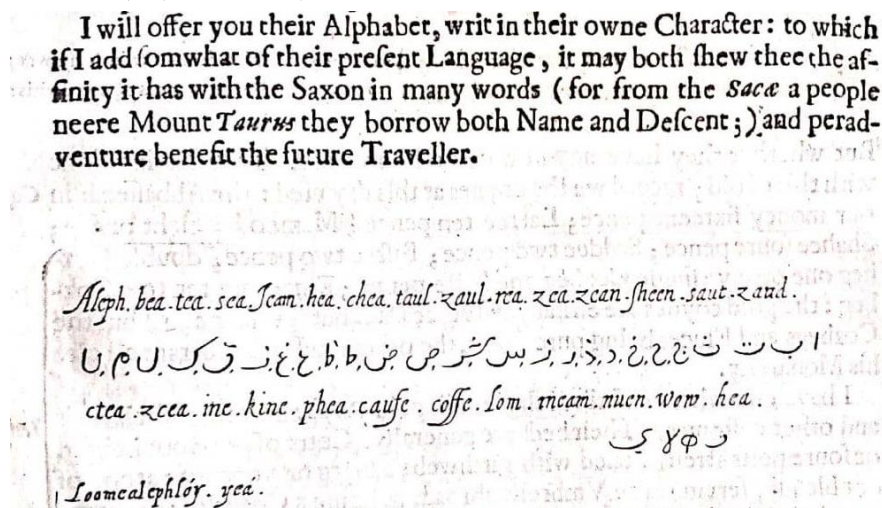
«lām alif». این نویسه‌ی مرکب لام را برخی از متخصصان دستور زبان عربی ۲۹ امین حرف الفبا می‌دانند.»

در کتاب *Dictionary, Persian, Arabic and English*، با اشاره به حدیث پیامبر اسلام ص (برای توضیح بیشتر، به بخش لا در روایات اسلامی این مقاله مراجعه شود) توصیف جالب-تری از آن شده (جانسون، ۱۸۵۲ م، ۱۰۵۴):

lām alif, This compound character لا lā some Arabian grammarians consider as the 29th letter of the alphabet, and support it by saying, that Muhammad denounced eternal damnation to all who refused it as such.

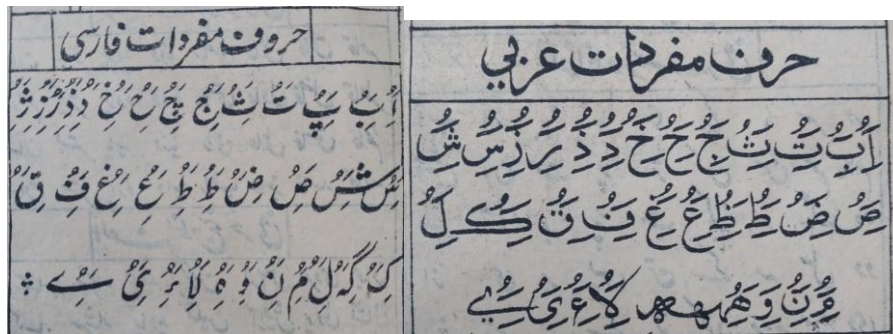
لام الف، نویسه‌ی مرکب لا، برخی از متخصصان دستور زبان عرب آن را بیست و نهمین حرف الفبا می‌دانند و آن را با این جمله تأیید می‌کنند که محمد (ص) لعنت ابدی را برای همه‌ی کسانی که آن را به این عنوان (حرف ۲۹ ام الفبا) نپذیرفتند، اعلام کرد.

اکنون با ارائه‌ی نمونه نشان می‌دهیم که تا مدت‌ها در بعضی از فهرست‌های الفبای عربی هنوز این حرف عملاً وجود داشته و نشان داده می‌شده است. در تصویر ۲ از کتاب سفرنامه‌ای به زبان انگلیسی چاپ ۱۶۳۸ (زمان سلطنت صفویه در ایران)، «الفبای عربی» مشابه الفبای کوفی دارای ۲۹ حرف و با همان ترتیب (حرف لا قبل از ی) نوشته شده (اسم این حرف را هم «لام الف لا» نوشته):



تصویر ۲- الفبای عربی شامل حرف لا (هربرت، ۱۶۳۸، ۲۴۴)

ظاهراً این حرف، دست کم در بعضی مناطق جغرافیایی، در الفبای فارسی نیز نفوذ و حضور داشته است. در تصویر ۳ از کتاب *مطلع العلوم ومجمع الفنون* (چاپ هند در دوره قاجار) «الفبای فارسی» نیز مانند عربی دارای حرف لا است (۱).



تصویر ۳- الفبای عربی و فارسی شامل حرف لا (علیخان، ۱۳۰۶ق، ۷)

با این اوصاف چندان تعجیبی ندارد که در مدلی از الفبای زبان اردو که خود ترکیبی از فارسی و عربی و هندی و ترکی است، لام الف نیز مشاهده می‌شود (معین، ۱۰۳) (۲).

لام الف، با همین عنوان، در اشعار شعرای متعدد فارسی زبان نیز به کرات استفاده شده و کنایه از هر چیز درهم تنیده، به هم بافته، درهم پیوسته و گره خورده است. نیز کنایه از درهم فرورفتن، با هم گره خوردن و همدیگر را سخت در آغوش گرفتن است (حیدری، ۱۳۹۸ الف، ۶۷).

با یک بررسی گذرا نمونه‌هایی از آن را در اشعار نظامی، عطار، خاقانی، جامی، اسعد گرگانی، سوزنی سمرقندی، امیر خسرو دهلوی، نسیمی، شاه نعمت الله ولی، یوسف بن نصرکاتب، کمال اسماعیل و ایرج میرزا می‌توان یافت (۳) (حیدری، ۱۳۷۹، ۱۳۹۴، ۱۳۹۸؛ دهخدا، جلد ۱۳، ۱۹۶۵)

همچنین در ادبیات عرفانی به این حرف توجه خاص شده است (ابن عربی، ۹، ۷۵-۷۶؛ محمدی، بلخاری قهی، ۱۳۹۶، ۵۹، ۷۵؛ رادمنش، ۱۳۹۰، ۱۳۳، ۱۴۲). در ادبیات حروفیه، فضل الله تعداد حروف الفبا را ۲۸ می‌دانسته و مدعی بوده است که حرف لام الف در قرآن مجید قائم مقام چهار حرف دیگر الفبای فارسی یعنی پ، چ، ژ، گ است (جمالزاده، شماره شهریور، ۳).

## ۲-۲. مفهوم و کاربرد حرف لا و حرف الف

بررسی منابع معتبر قدیمی نشان می‌دهد حرف لا که در واقع همان الف ساکن است، الف واقعی نامیده می‌شده است :

( 4 )

as nearly as possible, the true Arabian pronunciation of every letter, the system of Orthography that may be adopted by us, is, in fact, a matter of very little importance.

The letters of the alphabet are written from the right hand to the left, and are variously formed, according to their position at the beginning, or the middle, or the end of a word. Some of the variations to which they are liable appear in the following scheme of the Alphabet, and the rest will be sooner acquired in the course of practice, than they can be by the use of any other means.

**SCHEME OF THE ALPHABET.**

	Names of the Letters.	Finals.	Medials.	Initials.	Forms of the Letters.
Alif	ألف	قَرَأَ	سَأَلَ	أَمَرَ	ا A.
Ba	باء	مَلَبَّأَ	عَبَدَ	بَدَأَ	ب B.
Ta	تاء	كَلِمَاتٌ	تَبَيَّنَ	تَبَيَّنَ	ت T.
Sa	سَاء	كَلِمَاتٌ	سَكَنَ	سَكَنَ	ث S.
Jeen	جِيم	جَمَعٌ	جَمَعٌ	جَمَعٌ	ج J.
Ha	حاء	حَاءٌ	حَجَّرَ	حَجَّرَ	ح H.
Kha	خاء	خَلَعَ	خَرَجَ	خَرَجَ	خ K.
Dal	دال	دَعَا	دَعَا	دَعَا	د D.
Zal	ذال	ذَكَرَ	ذَكَرَ	ذَكَرَ	ذ Z.
Ra	راء	رَأَى	رَأَى	رَأَى	ر R.
Za	زاء	زَادَ	زَادَ	زَادَ	ز Z.
Seen	سِين	سَمِعَ	سَمِعَ	سَمِعَ	س S.

Sheen

( 5 )

	Names of the Letters.	Finals.	Medials.	Initials.	Forms of the Letters.
Sh.	شِين	شَرِبَ	شَرِبَ	شَرِبَ	ش Sh.
S.	صَاد	صَبَّرَ	صَبَّرَ	صَبَّرَ	ص S.
Z.	ضَاد	ضَرَرَ	ضَرَرَ	ضَرَرَ	ض Z.
L.	طَاء	طَوَّرَ	طَوَّرَ	طَوَّرَ	ط L.
Z.	ظَاء	ظَهَّرَ	ظَهَّرَ	ظَهَّرَ	ظ Z.
A.	عَيْن	عَلَّمَ	عَلَّمَ	عَلَّمَ	ع A.
Gh.	غَيْن	غَطَّرَ	غَطَّرَ	غَطَّرَ	غ Gh.
F.	فَاء	فَعَّلَ	فَعَّلَ	فَعَّلَ	ف F.
K.	قاف	قَوَّلَ	قَوَّلَ	قَوَّلَ	ق K.
K.	كاف	كَوَّرَ	كَوَّرَ	كَوَّرَ	ك K.
L.	لام	لَوَّبَ	لَوَّبَ	لَوَّبَ	ل L.
M.	ميم	مَنَعَ	مَنَعَ	مَنَعَ	م M.
N.	نون	نَوَّنَ	نَوَّنَ	نَوَّنَ	ن N.
W.	واو	وَوَّنَ	وَوَّنَ	وَوَّنَ	و W.
H.	هاء	هَوَّنَ	هَوَّنَ	هَوَّنَ	ه H.
A.	لا	لَوَّلَ	لَوَّلَ	لَوَّلَ	ل A.
En	ياء	يَوَّنَ	يَوَّنَ	يَوَّنَ	ي En

SECTION

تصویر ۴- الفبای عربی شامل حرف لا (استاتس، ۱۸۱۲، ۴-۵)

حرف لا، الف واقعی است و تحت محدودیت‌های معینی که ماهیت آنها اکنون توضیح داده می‌شود، عمل می‌کند. اول، این حرف باید پیوسته بدون حرکت و ساکن باشد یا توسط اعراب قابل حرکت دادن نباشد و در نتیجه در کلمه‌ی آل واقع نمی‌شود. زیرا حرف الف در اینجا قابل حرکت است. دوم، این حرف پیوسته بعد از مصوَّت فتحه می‌آید (۴) و خودش ساکن است. بنابراین صدای ای کشیده در ما یا لا را نشان می‌دهد و نمی‌تواند هیچ صدای دیگری را نشان بدهد. سوم، چون پیوسته ساکن است و پیوسته بعد از مصوَّت فتحه می‌آید،

موقعیتی برای علامت سکون و حرف پیش از هر موقعیت برای مصوت فتحه ندارد، بنابراین عموماً ما نوشته می‌شود و نه مَأ و لا نوشته می‌شود نه لَأ. چهارم، هرگز داخل ترکیب یک کلمه‌ی صرف‌کردنی نمی‌شود مگر به عنوان حرف زاید. همان طور که در مثال ضارب به الف (که همان لا است)، زاید گفته می‌شود نه ریشه‌ای. زیرا حروف ریشه‌ای ض ر ب تشکیل دهنده ضَرْب (زدن) هستند و اگر به نظر برسد در هر مثال معین مانند مَأل، در اصل مَوَل (ثروت)، به عنوان حرف ریشه‌ای واقع می‌شود باید توجه داشت که در تمام چنین مواردی صرفاً جایگزین حرف دیگر شده، همان طور که در اینجا واو به الف تبدیل شده است (همان، ۱۵-۱۶).

برای مشخص شدن بهتر موضوع، به معرفی حرف الف که در ابتدای حروف الفبای تصویر ۴ هست نیز می‌پردازیم:

حرف الف، به طور صحیح‌تر با نام همزه شناخته می‌شود و اگر چه شکل معین خودش را دارد یعنی علامت (ء)، عموماً شکل‌های الف، واو و یا را می‌گیرد. در ابتدای کلمه، شکل آن پیوسته الف است که با یکی از علامت‌های مصوت مانند اَكْرَمَ، اَكْرِمُ، اِكْرَام و غیره قابل حرکت دادن است. در این حالت، صدای حرف صرفاً صدای علامت مصوت است که توسط آن قابل حرکت دادن شده است. در میان کلمه، شکل همزه‌ی قابل حرکت دادن توسط علامت مصوت خودش تعیین می‌شود، و شکل همزه‌ی ساکن توسط علامت مصوت حرفی که قبل از آن آمده است. بنابراین همزه‌ی قابل حرکت توسط مصوت فتحه، شکل

الف را در سَأَلَ (او پرسید) می‌گیرد، همزه‌ی قابل حرکت توسط مصوت کسره، شکل یا در سَنِمَ (او بیمار بود) را می‌گیرد و همزه‌ی قابل حرکت توسط مصوت ضمه شکل واو در رَوَّفَ (او مهربان بود) را می‌گیرد و غیره. همچنین همزه‌ی ساکن بعد از مصوت فتحه شکل الف در رَأَس (سر) را می‌گیرد. همزه‌ی ساکن بعد از مصوت کسره شکل یا در ذَنْب (گرگ) را می‌گیرد و همزه‌ی ساکن بعد از مصوت ضمه شکل واو در بُؤَس (مصیبت و بلا) را می‌گیرد و غیره. حرف آخر بیشتر کلمات عربی در ترکیب یک جمله عموماً قابل حرکت کردن است و شکل همزه‌ی قابل حرکت که در آخر کلمه‌ی عربی واقع می‌شود، وقتی حرف قبلی اتفاقاً قابل حرکت باشد، باید توسط علامت مصوت قبلی (نه توسط خودش) تعیین شود. بنابراین همزه بعد از مصوت فتحه شکل الف در قَرَأَ (او خواند) می‌گیرد، همزه بعد از مصوت کسره شکل یا در ما فَتِيَ (دست نکشید) می‌گیرد و همزه بعد از مصوت ضمه شکل واو در طُرُوَ (شهر را ترک کرد) را می‌گیرد و غیره. اگر حرف قبلی اتفاقاً ساکن باشد، همزه باید به شکل خودش نوشته شود، اگرچه در این حالت اغلب در کتاب‌ها شکل واو یافت می‌شود، همانطور که بَدُو، به طور صحیح بَدَّء (شروع)، جُزء (قسمت) و غیره. از مثال-هایی که تاکنون شاهد آورده شد، مشاهده می‌شود که حروف الف، واو و یا، وقتی این حروف نماینده‌ی همزه باشند، به‌طور عادی زیر علامت همزه قرار می‌گیرند، مانند رَأَس (سر)، بُؤَس (مصیبت و بلا)، بَثْر (چاه) و غیره. مناسب است اضافه شود که علامت نشان تشخیص حرف یا، وقتی این حرف نشان‌دهنده‌ی همزه باشد، باید حذف شوند مانند: بَثْر (نه بیر) و غیره. (همان، ۱۸)

اشاره به این نکته مناسب است که ء احتمالاً ع کوچک است و نشان می‌دهد که همزه تقریباً مانند ع تلفظ می‌شود. با توجه به مخارج حروف أ و ع و نیز اینکه ء در بعضی از نسخه‌های

خطی آفریقایی (و جاهای معین دیگر) بصورت ع نوشته می‌شود (رایت، ۱۹۷۶م، ۱۷)، این احتمال موجه به نظر می‌رسد.

### ۲-۳. هویت، وجه تسمیه و شکل ظاهری حرف لا

در مورد حرف لام الف لا عقاید مختلف و نظرها متفاوت و گوناگون گردید. علما دو فرقه شدند و غوغای شدیدی برپا گردید. گروهی را عقیده چنان بود که لام الف لا حرفی است واحد از حروف الفبا ولی دسته دیگر دلایل قاطع بسیاری بر رد این نظر اقامه می نمود و می گفت لام الف لا واحد نیست بلکه مرکب است از دو حرف لام و الف (جمالزاده، شماره مرداد، ۲ و ۳). به شرح زیر:

هر حرف، حرف اول نام خودش را تشکیل می‌دهد. بنابراین باء نام حرف ب است و ب حرف اول کلمه‌ی باء، به همین ترتیب حا، را، سین، شین و غیره. اما الف واقعی همیشه ساکن است و نمی‌تواند حرف اول نام خودش باشد. زیرا حرف ساکن هرگز اول کلمه عربی واقع نمی‌شود. پس الف واقعی نام لا گرفته است که اغلب به طور نادرست توسط کسانی که از واقعیت آگاه نیستند،

«لام الف» تلفظ می‌شود. (استانس، ۱۸۱۲، ۱۸)

به عبارت دیگر، چون الف واقعی حرکت قبول نمی‌کند تلفظ آن به خودی خود ممکن نیست، لذا با لام همراه شده تا امکان تلفظ داشته باشد؛ اما چرا قبل از آن حرف دیگری نمی‌آوریم؟ «بعضی در جواب گفته‌اند چون برای خواندن لام تعریف از الف کمک گرفته می‌شود، مثلاً در «القمر»، «الجبل» و ... ، متقابلاً برای خواندن الف نیز از لام کمک گرفته می‌شود» (عبداللهی،

۱۳۹۱: ۹۶/۹۵). (۵)

توجیه و توضیح دیگر برای این موضوع، نظر مرحوم نراقی و افراد هم‌عقیده با اوست. ایشان نیز معتقد است که «این حرف، واحد نیست و سبب اینکه لام‌الف لا را در حروف تهجی زیاد نموده‌اند آن است که حرکت داخل آن نمی‌شود و آنچه در اول هر حرف مذکور است همزه است نه الف. پس لابد است در ذکر الف از وصل آن به حرفی دیگر و اختیار لام را نموده‌اند به جهت شدت مناسبتی که میان او و الف است به جهت آن که هریک دل دیگر هستند» (نراقی، ۱۸۸). «مقصود از اینکه الف و لام دل یکدیگر هستند، این است که در الف که سه حرف دارد لام در وسط (دل) واقع است و در لام که آن هم سه حرف دارد الف در میان (دل) واقع گردیده است» (جمال‌زاده، شماره مهر، ۱۵۹). همچنین شایان ذکر است که در اتصال سایر حروف با الف، تغییری در شکل آنها حاصل نمی‌شده و این تغییر بطور استثنایی در «لا» دیده می‌شود:

$$ل + ا = لا$$

طبق جدول ارائه شده در تصویر ۵ از ابتدای ورود به الفبای نبطی (۶) و کوفی نیز به همین شکل بوده است. شاید همین شکل خاص و متفاوت لا از قرائن حرف واحد بودن آن باشد. در کتاب **فرايد اللالی فی مدح الموالی** که در آن اشعاری به زبان عربی در مدح پیامبر و دوازده امام و به ترتیب الفبای عربی، از الف (همزه) تا ی سروده شده است، لام‌الف نیز قبل از ی آمده است. با توجه به اینکه سراینده باب لام‌الف را جداگانه آورده، احتمالاً آن را حرف واحد محسوب کرده است (الشیخ الصغیر). همچنین نظر موافق مولف کتاب **کشاف اصطلاحات الفنون** در این مورد بعداً نقل خواهد شد. این اختلاف، در مورد مرکب بودن یا نبودن لام‌الف، مدت‌ها در نهایت شدت در میان بوده و در نهایت با نقل روایتی از پیامبر اسلام سعی در حل قاطعانه آن شده است (جمال‌زاده، شماره مرداد ۳۰۲، نقل به مضمون. حدیث منسوب به پیامبر ص در بخش روایات ذکر خواهد شد).

#### ۴-۲. منشأ حرف لا و جایگزینی الف و لا با همزه و الف

نویسندگان این مقاله فقط در الفبای کوفی و نبطی دو حرف مجزای الف و لا را مشاهده کرده‌اند و معمولاً در جداول الفباهای سریانی و عبری و آرامی که نزدیک به الفبای کوفی محسوب

می شوند، چنین تفکیکی مشاهده نمی شود. (۷) بنابر تصویر ۵ ظاهراً این حرف لا بعد از قرن سوم میلادی وارد حروف الفبای نبطی (و بعداً کوفی) شده است:

مقایسه حروف نبطی و کوفی در اول اسلام

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	
ا	ا	ا	ا	ا	می که از هر
ب	ب	ب	ب	ب	اب مربوط
ج	ج	ج	ج	ج	یل است:
د	د	د	د	د	ان نبطیان -
ه	ه	ه	ه	ه	لدانیان -
و	و	و	و	و	اقوام ثمود
ز	ز	ز	ز	ز	صفویان
ح	ح	ح	ح	ح	ن ملل بدان
ط	ط	ط	ط	ط	به قرار ذیل
ی	ی	ی	ی	ی	که از اصل
ک	ک	ک	ک	ک	ته شده بود
ل	ل	ل	ل	ل	م عبری «
م	م	م	م	م	از خلطه با
ن	ن	ن	ن	ن	مه اسارت
س	س	س	س	س	ر را تغییر
ع	ع	ع	ع	ع	خط آرامی
ف	ف	ف	ف	ف	دند و بعد از
ق	ق	ق	ق	ق	ط آشوری
ر	ر	ر	ر	ر	تهادند.
ش	ش	ش	ش	ش	
ت	ت	ت	ت	ت	
ث	ث	ث	ث	ث	

تصویر ۵- الفبای نبطی در (۱) قرون ۳-۱ میلادی، (۲) قرن ۴ م، (۳) قرن ۶ م و (۴)

الفبای کوفی قرن اول هجری (بهار، ۱۳۸۶، ص ۸۷)

در قدیمی ترین کتیبه‌ها و نوشته‌هایی که از خطوط عربی به دست ما رسیده، علامت ~ (فتحه کشیده یا بلند) فقط به عنوان یک صامت به کار گرفته می‌شد. اولین حرف از حروف ابجدی سامی و نشان‌دهنده صوت صامتی بود که بعدها به آن همزه گفته شده، ولی در کتابت نبطی متأخر، که یکی از فروع کتابت آرامی است، این علامت را برای نشان دادن فتحه بلند در اواخر کلمات به کار می‌بردند و از آنجا که کتابت عربی شاخه‌ای از همان خط بود، این کاربرد را به ارث برد و حتی در زمان نزول قرآن کریم، علامت الف، علاوه بر اواخر کلمات، گاهی در میان کلمات هم به کار برده می‌شد؛ بنابراین، الف هم نشانه همزه بود و هم در مواردی نشانه فتحه کشیده تا اینکه خلیل بن احمد فراهیدی (قرن دوم هجری قمری) برای آنچه امروزه به عنوان همزه مطرح است علامت ء را وضع کرد (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۹۶/۹۵).

تا قبل از اینکه خلیل این علامت را وضع کند، آنچه رایج و شناخته شده بود علامت ~ بود که به عنوان اولین حرف از حروف الفبای عربی به آن الف می‌گفتند و هم نشانه‌ی همزه بود و هم نشانه‌ی فتحه کشیده. خلیل پس از اختراع خود، اسم الف را که به اولین حرف از حروف الفبای عربی اطلاق می‌شد بر فتحه کشیده نهاد (مقایسه شود با الف واقعی در بحث ما) و اولین حرف از حروف الفبای عربی را همزه نامید. این عمل خلیل آن چنان در بین برخی بزرگان علمای زبان‌شناسی و دانشمندان علم صرف و نحو جا افتاد که بعضی از بزرگان مانند سیبویه حروف الفبای عربی را ۲۹ حرف، به ترتیب زیر ذکر می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۹۶/۹۵):

همزه(أ)، هاء(ه)، عین(ع)، حاء(ح)، خاء(خ)، غین(غ)، قاف(ق)، کاف(ک)، ضاد(ض)، جیم(ج)، شین(ش)، لام(ل)، راء(ر)، نون(ن)، طاء(ط)، دال(د)،

تاء(ت)، صاد(ص)، زای(ز)، سین(س)، ظاء(ظ)، ذال(ذ)، ثاء(ث)، فاء(ف)،  
باء(ب)، میم(م)، یاء(ی)، الف(ا)، واو(و)

شایان ذکر است ترتیب حروف بر اساس نظر سیبویه، بر مبنای مخارج حروف  
است، که از انتهای حلق شروع و به لبها ختم می‌شود (نک: عبداللهی، ۱۳۹۱:

۹۶/۹۵)

به نکته‌ی گفته شده در مورد نزدیکی مخرج ء و ع و شباهت آنها نیز مراجعه و مقایسه شود.  
بنابراین با توجه به نکات بالا، احتمالاً از چند دهه قبل از زمان فراهیدی حرف لا از الفبای  
عربی روزمره نسبتاً متروک بوده یا اصلاً به صورت غالب وارد آن نشده بوده است.

## ۲-۵. لزوم یا عدم لزوم وجود لا در الفبا

بحث لزوم یا عدم لزوم لا، به عبارت دیگر یکی بودن الف و لا، در اصطلاح امروز همان بحث  
یکی بودن یا نبودن همزه و الف (و به عبارت دیگر، ۲۸ یا ۲۹ حرف بودن الفبای عربی) است.  
با توجه به تفاوت‌های الف و لا که در بخش ۱-۲ توضیح داده شد (و در مباحث امروزی،  
تفاوت‌های همزه و الف)، به نظر می‌رسد این دو حرف اساساً متفاوت هستند و بهتر است دو  
حرف متفاوت محسوب شوند. (۸)

## ۲-۶. لام الف در روایات اسلامی

نویسندگان این مقاله به سه حدیث که موضوع آن «لام الف» است و یا به آن نیز اشاره شده  
برخورد کرده‌اند.

حدیث ۱: روایت شگفت‌انگیزی در رابطه با «لام الف» در بعضی از کتب اسلامی از قول پیامبر  
اسلام (ص) نقل شده است:

روى عن أبي ذرّ الغفارى رحمه الله: قلت: يا رسول الله أى كتاب أنزل الله تعالى على آدم؟ قال صلى الله عليه وآله: كتاب الحروف المعجم: ا ب ت ث الخ، فهى تسعة و عشرون حرفا. قلت: يا رسول الله عددت ثمانية و عشرين حرفا. فغضب صلى الله عليه وآله حتى احمرت عيناه فقال صلى الله عليه وآله: يا أبا ذر و الذى بعثنى بالحق نبيا ما أنزل الله على آدم فى اللغة العربية إلا تسعة و عشرين حرفا. قلت: يا رسول الله أ ليس فيها لام و ألف؟ قال: لام و ألف حرف واحد، قد أنزله الله تعالى على آدم فى صحيفة واحدة و معه سبعون ألف ملك، من خالف لام ألف فقد كفر بما أنزل الله تعالى على آدم و من لم يعد لام الف حرفاً واحداً و هو برئ منى و انا برئ منه و من لم يؤمن بالحروف و تسعة عشر حرفاً لا يخرج من النار أبداً. (بغدادى، ١٤١٨ق، ١٠٠-١٠١؛ سكتوارى، ١٣٠٠ق، ٦٥-٦٦؛ يزدى حائرى، ١٤٢٢ق، ٢١٨)

ابوذر غفارى مى گوید از رسول خدا (ص) پرسیدم که کدام کتاب است که خداوند بر آدم (ع) فرستاده است؟ فرمود: کتاب معجم: ا ب ت ث ج الى آخر، گفتم من شمردم ٢٨ حرف است. پس پیامبر (ص) خشم گرفت چنانچه چشمانش سرخ شد و فرمود: ای اباذر به خدایى که به حق مرا به پیامبرى مبعوث کرد، آنچه خدا به لغت عربى به آدم (ع) نازل کرد غیر از ٢٩ حرف نبود. گفتم ای رسول خدا در این حروف لام و الف بود؟ پیامبر فرمود: لام الف، حرف واحد است که خدا در یک صحیفه بر آدم (ع) نازل کرد و در هنگام فرستادن با او هفتاد هزار فرشته همراه بود و هرکسى که مخالفت کند در حرف لام الف پس کافر مى شود به هر چه که خدا به آدم (ع) فرستاده است. و هر کسى که لام الف را حرف واحد نداند، پس او بیزار است از من و من بیزارم از او، و هر که ایمان به ٢٩ حرف ندارد، بیرون نیاید از دوزخ ابداً. همانطور که قبلاً گفته شد به مضمون این حدیث در لغتنامه‌ی جانسون نیز اشاره شده است. همچنین در کتاب **کشاف اصطلاحات الفنون** هم ظاهراً با نظر موافق و تأیید آمده است: «و لا يقال ان لام الف حرفان فان الحدیث النبوى قد صرح بان لام الف حرف واحد، فافهم.» (کشاف، ص ٦٥٠).

در منابع ذکر شده برای این روایت سندی از کتب مرجع حدیث و سلسله راویان مشاهده نشد و در کتاب **خزانه الادب** به مجعول بودن آن تصریح شده است:

«وَأَمَّا مَا أوردَهُ أَبُو بَكْرٍ الشَّنَوَانِيُّ فِي جَوَابِ أَسْئَلَةِ السُّبُوطِيِّ السَّبْعَ بِقَوْلِهِ قَالَ رَوَى أَبُو ذَرِّ الْعِفَارِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ الْخِ . فَهُوَ مَوْضُوعٌ قَالَ ابْنُ عَرَّاقٍ سُئِلَ عَنْهُ ابْنُ تَيْمِيَّةٍ فَقَالَ لَا أَصْلَ لَهُ وَلَوْ أُتِيَ بِالْوَضْعِ عَلَيْهِ ظَاهِرَةٌ وَكَأَنَّ سِيمَا فِي آخِرِهِ فَهُوَ كَذِبٌ قَطْعًا»

با توجه به نکات بالا، به نظر می‌رسد روایت از سوی کسانی که معتقد به حذف واحد بودن لام الف و نگران حذف آن از حروف الفبای عربی بوده‌اند جعل شده و برای حفظ این حرف و ماهیت آن، حدیثی با این شدت به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده‌اند.

یادآوری چند نکته در اینجا بی‌مناسبت نیست. می‌دانیم که حروف مقطعه اوایل سوره‌های قرآن، مجموعاً ۷۸ حرف است که با حذف مکررات، ۱۴ حرف می‌شود که نصف تعداد ۲۸ حرف الفبای عربی است. این حروف در ابتدای ۲۹ سوره از سوره‌های قرآن کریم آمده است. آیا ممکن است ارتباطی بین این موضوع با تعداد ۲۹ حرف الفبای عربی (با احتساب دو نوع الف) وجود داشته باشد؟ (۹) به‌ویژه با توجه به این تفسیر که آوردن این حروف در ابتدای سوره‌ها بدین منظور بوده‌است که قرآن از همین حروف و کلماتی ترکیب شده که خود شما هم تلفظ می‌کنید ولی مانند این قرآن را نمی‌توانید بیاورید. (۱۰)

### حدیث ۲ و ۳ در تفسیر حروف معجم

در کتاب **توحید** مرحوم شیخ صدوق، باب ۳۲، تفسیر الهیاتی حروف الفبا در دو روایت از ائمه‌ی اطهار روایت شده است. مطابق الفبای خط کوفی، بین حرف ه و حرف ی، حرف لا (لام الف) نیز معرفی و تفسیر شده است.

حدیث ۲:

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِيُعَرِّفَ بِهِ خَلْقَهُ الْكِتَابَةَ حُرُوفَ الْمُعْجَمِ ... وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي اب ت ث أَنَّهُ قَالَ الْأَلِفُ آلاءُ اللَّهِ وَ الْبَاءُ بَهْجَةُ اللَّهِ وَ الْبَاقِي وَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ النَّاءُ تَمَامُ الْأَمْرِ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ ص وَ النَّاءُ ثَوَابُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الصَّالِحَةِ ج ح خ فَالْجِيمُ جَمَالُ اللَّهِ وَ جَلَالُ اللَّهِ وَ الْحَاءُ حِلْمُ اللَّهِ حَتَّى حَقَّقَ حَلِيمٌ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَ الْحَاءُ حُمُولٌ ذَكَرَ أَهْلُ الْمَعَاصِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ د ذ فَالذَّالُ دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ وَ الدَّالُ مِنْ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ر ز فَالرَّاءُ مِنَ الرَّءُوفِ الرَّحِيمِ وَ الرَّايُّ زَلْزَلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ س ش فَالسِّينُ سَنَاءُ اللَّهِ وَ سَرْمَدِيَّتُهُ وَ الشِّينُ شَاءُ اللَّهِ مَا شَاءَ وَ أَرَادَ مَا أَرَادَ - وَ مَا تَشَاوَنُ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ص ض فَالضَّادُ مِنْ صَادِقِ الْوَعْدِ فِي حَمَلِ النَّاسِ عَلَى الصِّرَاطِ وَ حَسْبِ الظَّالِمِينَ عِنْدَ الْمُرْصَادِ وَ الضَّادُ ضَلَّ مَنْ خَالَفَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ ط ظ فَالطَّاءُ طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَ حُسْنُ مَأْبٍ وَ الظَّاءُ ظَنُّ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ خَيْرًا وَ ظَنُّ الْكَافِرِينَ بِهِ سُوءًا ع غ فَالغَيْنُ مِنَ الْعَالِمِ وَ الْعَيْنُ مِنَ الْعَنِيِّ الَّذِي لَا يَجُوزُ عَلَيْهِ الْحَاجَةُ عَلَى الْإِطْلَاقِ فِ ق فَالْفَاءُ فَالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوِي وَ فَوْجٌ مِنْ أَفْوَاجِ النَّارِ وَ الْقَافُ قُرْآنٌ عَلَى اللَّهِ جَمْعُهُ وَ قُرْآنُهُ - ك ل فَالْكَافُ مِنَ الْكَافِي وَ اللَّامُ لَعْنُ الْكَافِرِينَ فِي أَفْئَاتِهِمْ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ م ن فَالْمِيمُ مُلْكُ اللَّهِ يَوْمَ الدِّينِ يَوْمَ لَا مَالِكَ غَيْرُهُ وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ثُمَّ تَنْطِقُ أَرْوَاحُ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ حُجَجِهِ فَيَقُولُونَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ فَيَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ - الْيَوْمَ بُحْرِي كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ وَ التُّونُ نَوَالُ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ نَكَالُهُ لِلْكَافِرِينَ وَ ه فَالْوَاوُ وَئِيلٌ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ عَظِيمٍ وَ الْهَاءُ هَانٌ عَلَى اللَّهِ مَنْ عَصَاهُ لَا فَالْهَاءُ الْإِلْفُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ هِيَ كَلِمَةُ الْإِحْلَاصِ مَا مِنْ عَبْدٍ فَالْهَا مُخْلِصًا إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ي يَدُ اللَّهِ فَوْقَ خَلْقِهِ بَاسِطَةٌ بِالرِّزْقِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ثُمَّ قَالَ ع إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ هَذَا الْقُرْآنَ بِهَذِهِ الْحُرُوفِ الَّتِي يَتَدَاوَاهَا جَمِيعُ الْعَرَبِ ثُمَّ قَالَ - قُلْ لَعِنَ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ

عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً  
(صدوق، ۱۳۹۸ق، ۲۳۲-۲۳۴).

لای لام الف، یعنی لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و آن کلمه‌ی اخلاص است که هیچ بنده‌ای نیست که آن را گفته باشد در حالی که با اخلاص باشد مگر آنکه بهشت برایش واجب شده است.

حدیث ۳:

تا حدودی مشابه حدیث بالاست، فقط قسمت مورد نظر نقل می‌شود:

... فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مَا مِنْ حَرْفٍ إِلَّا وَهُوَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ  
جَلَّ ثُمَّ قَالَ ... وَ أَمَّا اللَّامُ أَلِفٌ فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ... (همان،  
۴۳۳-۴۳۴)

و اما لام الف، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وحده لا شریک له است.

شایان ذکر است تفسیر حروف الفبا به ویژه در مورد حروف مقطعه اوایل ۲۹ سوره قرآن مجید، کاملاً مسبوق به سابقه است. به عنوان نمونه در تفسیر «الم» در ابتدای سوره بقره: «(الم) يقول الف الله، لام جبریل، میم محمد و يقال الف آلاؤه، لام لطفه، میم ملکه و يقال الف ابتداء اسمه الله، لام ابتداء اسمه لطيف، میم ابتداء اسمه مجيد و يقال انا الله اعلم» (تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، ۳) (۱۱)

### جمع بندی و نتیجه گیری

آنچه امروزه الف حرکت ناپذیر، همزه‌ی ساکن، الف مدی و فتحه‌ی کشیده نامیده می‌شود در گذشته و در اصل با حرف (مستقل) «لا» نشان داده و نامیده می‌شده است. نظر بیشتر صاحب نظران مرکب‌بودن این حرف است، اما بی‌تردید عده‌ای آن را حرف واحد می‌دانسته‌اند (۱۲) و اهمیت بسیار برای این امر قائل بوده‌اند، به‌طوری که

روایتی شدید و قاطع به آن نسبت داده‌اند. روایت ظاهراً مجعول ولی به اندازه‌ی کافی مشهور و پخش شده بوده است.

جایگزینی الف و لام الف با همزه و الف به صورت مطلق و با حذف کامل حرف لا نبوده است و هنوز هم این حرف عملاً از الفبا و ادبیات عربی به کلی محذوف و فراموش شده نیست. شاید یکی از علل عدم حذف کامل و قطعی آن همین حرف واحد محسوب شدنش از سوی بعضی بوده است. همچنین با توجه به تفاوت‌های اساسی بین الف و لا (یا همزه و الف، به زبان امروزی) به نظر می‌رسد دو حرف محسوب شدن آنها (مانند گذشته) مناسب‌تر باشد.

### پی‌نوشت:

- (۱) همان‌طور که مشاهده می‌شود در حروف آخر این الفباها، علاوه بر لا حروف دیگری نیز اضافه بر الفبای متداول عربی و فارسی هست که عملاً وارد الفبای اردو نیز شده‌اند.
  - (۲) با مراجعه به فهرست الفبای اردو در مراجع متعدد (برای مثال راهنمای زبان اردو، دکتر سید باحیدر شهریار نقوی و نیز سایتهای متعدد اینترنتی) مشاهده می‌شود در الفبای اردو متداول، لام الف نیست.
  - (۳) با توجه به مطالب قبلی جای این سوال هست که آیا این شاعران لام الف را از الفبای عربی می‌شناخته‌اند یا الفبای فارسی؟
  - (۴) چون الف (واقعی) همیشه قبلش فتحه است، در رسم الخط بعضی از قرآن‌ها قبل از الف فتحه می‌گذارند، مانند مَا، كَانَ، قَالَ، النَّاسُ، أَبْوَابٌ و غیره. ولی در بعضی از قرآن‌ها الف کوتاه گذاشته می‌شود.
  - (۵) «این پاسخ خالی از اشکال نیست، زیرا اولاً حرف تعریف بنابر قولی آل است نه لام تنها، ثانیاً با فرض اینکه حرف تعریف فقط لام باشد، آنچه قبل از آن آورده می‌شود همزه است نه فتحه کشیده.» (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۶).
- شایان ذکر است در مورد حرف تعریف «ال» عربی، از قدیم این بحث مطرح بوده که هر دو حرف الف و لام اصلی هستند یا یکی از آنها اصلی و دیگری زائد است. با توجه به معادل عبری آن «ל» (هل) به نظر می‌رسد هر دو حرف الف و لام، حرف اصلی بوده و هیچ کدام زائد نیستند (مصطفوی نیا، معصومی، ۱۳۹۰).



- (۸) برای بحث بیشتر رک به عبداللهی، ۱۳۹۱.
- (۹) این نکته نیز شایان توجه است که در آیهی ۲۹ (آیهی آخر) سورهی فتح تمام حروف الفبای عربی آمده است. بدیهی است موارد مذکور صرفاً ذوقی بوده، برهان محسوب نمی‌شوند.
- (۱۰) برای مثال روایتی از امام عسکری (ع) نقل شده به این عبارت «یا محمد هذا الكتاب الذی انزلناه علیک هو الحروف المقطعه التي منها "الف، لام، میم" و هو بلغتکم و حروف هجا یکم فأتوا بمثله ان کتتم صادقین» (اکبر نژاد، ۱۳۹۲، ۱۷۳)
- (۱۱) برای بحث در مورد روایات و تفاسیر این چنینی از حروف مقطعه (که تا حدودی شبیه روایات ۲ و ۳ این مقاله نیز هست) رک به اکبر نژاد، ۱۳۹۲.
- (۱۲) به خواست خدا در مقاله دیگری این موضوع بررسی خواهد شد.

#### منابع و مأخذ:

##### کتاب‌ها:

##### عربی:

- ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق (۱۳۹۸ق)، کتاب التوحید، تصحیح سید هاشم حسینی طهرانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن عربی، محیی‌الدین، الفتوحات المکیة (بی‌تا)، جلد ۱، بیروت، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- بغدادی، عبد القادر (۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م)، خزنة الأدب ولب لباب لسان العرب، جلد ۱، قاهره، مكتبة الخانجي.
- تھانوی، محمد علی (۱۹۹۶م)، كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مكتبة لبنان ناشرون.
- تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس (بی‌تا)، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- خوری شرتوتی لبنانی، سعید (۱۴۰۳ق)، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی.
- سکنواری البسنوی، علاء‌الدین (۱۳۰۰ق)، محاضرة الأوائل ومسامرة الأواخر، بولاق، مصر، المطبعة المیریة.
- الشیخ الصغیر، علی بن شیخ زین‌الدین (۱۱۰۴ق)، فرائد اللآلی فی ملح الموالی. نسخه‌ی خطی، شماره مدرک کتابخانه مجلس IR10-37641.
- یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق)، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب (عج)، جزء ۱، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

##### فارسی:

- آذرنوش، آذرتاش؛ فانی، کامران؛ پاکتچی، احمد (۱۳۸۳)، «الغبا»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- بهار، محمد تقی (ملک الشعرا) (۱۳۸۶) سبک شناسی، جلد اول، تهران. سازمان کتابهای پرستو، انتشارات امیرکبیر
- خاقانی، افضل‌الدین علی (۱۳۶۸)، دیوان خاقانی، به کوشش سیدضیاء‌الدین سجادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات زوار.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۸)، دیوان سنایی، چاپ هفتم، مقدمه و تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات سنایی.
- علیخان واجد (۱۳۰۶ ق)، مطلع العلوم و مجمع الفنون، کانپور، هند، مطبعه‌ی منشی نول.
- معین، محمد (۱۳۴۲)، برهان قاطع، چاپ دوم، تهران، ابن سینا.
- نراقی، احمد (۱۳۸۰ ق)، الخزائن، تهران، علمیه اسلامیة.
- نقوی، سید باحیدر شهریار (۱۳۳۷)، راهنمای زبان اردو، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

#### مجلات:

- مصطفوی‌نیا، سید محمد رضی؛ معصومی، امیر صالح، «أداة التعريف في اللغتين العربية والعبرية»، مجلة الجمعية العلمية الايرانية للغة العربية و آدابها، شتاء ۱۳۹۰ هـ. ش، ۲۰۱۱ م، صص ۴۱-۵۹.
- اکبر نژاد، مهدی، «بررسی و نقد سند و متن یک حدیث تفسیری درباره حروف مقطعه قرآن»، دو فصل نامه علمی-پژوهشی حدیث پژوهی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ۱۶۵-۱۷۸.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۰)، «ابجد، هوز»، یغما، شماره مرداد ۱۵۷، شهریور ۱۵۸، مهر ۱۵۹.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۹۸ الف)، «کاربرد ادبی و هنری حرف «الف» در اشعار شاعران سبک خراسانی»، متن پژوهی ادبی، سال ۲۳، شماره ۷۹، بهار، ۵۵-۷۶.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۹۸ ب)، «کاربرد ادبی و هنری حرف الف در پهنه ادب پارسی (با تکیه بر اشعار جامی و شاعران سبک عراقی)»، فصل‌نامه‌ی تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، ۱۷۹-۲۲۶.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۷۹)، «کاربرد ادبی و هنری حرف الف در منظومه‌های دو داستان‌سرای بزرگ منظومه‌های غنایی؛ نظامی و جامی»، کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان، ۸۳-۱۱۳.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۹۴)، «کاربرد ادبی و هنری و تصویری حرف «الف» در پهنه ادب پارسی (با تکیه بر شاعران عارف طراز اول: سنایی، عطار، مولوی، شاه نعمت‌الله ولی)»، هشتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، بهمن، ۷۰۷-۷۳۳.

- رادمنش، عطا محمد (١٣٩٠)، «نفی لا اثبات الا از نگاه مولانا»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، ادب و عرفان، ١٢٨-١٤٩.

- ستوده، منوچهر (١٣٦٣)، مجله آینده، شماره ١٢ سال دهم ١٣٦٣

- عبداللهی، حسن (١٣٩١)، «ماهیت الف و نگارش آن در عربی و فارسی»، مجله زبان و ادبیات عربی، بهار و تابستان، شماره ششم، ٨٧-١٠٦.

- فقیهی، علی اصغر (١٣٦٥)، مجله آینده، شماره فروردین سال دوازدهم ١٣٦٥

- کمره ای، مجتبی (١٣٦٥)، مجله آینده، شماره فروردین سال دوازدهم ١٣٦٥

- محمدی پارسا، عبدالله، بلخاری قهی، حسن (١٣٩٦)، «جایگاه حروف نزد عرفا و تأثیر آن بر هنر خوشنویسی اسلامی»، فصلنامه الهیات هنر، شماره هشتم، بهار، ٥٥-٨٢.

سایت:

- 1- Mamoun Sakkal, **Square Kufi Alphabet**(09/21/2017)  
[http://www.sakkal.com/instrctn/sq\\_kufi\\_alphabet.html](http://www.sakkal.com/instrctn/sq_kufi_alphabet.html)

انگلیسی:

-Herbert, Thomas (1638), **Some Yeares Travels into Divers Parts of Asia and Afrique**, London, R.Bi. for Iacob Blome and Richard Bishop.

-Johnson, Francis(1852), **Dictionary, Persian, Arabic and English**, London, W. H. Allen and Co.

-Maulawi, Fazl-I-Ali (1885), **A Dictionary of the Persian and English Languages** , Bombay, Education Society's Press.

-Stats, T(1812), **A Grammar of Arabic Language**.

-Wright, W(1967), **A Grammar of Arabic Language**, Cambridge, the University Press.

## Sources and references:

### A- Books

- Herbert, Thomas (1638), Some Yeares Travels into Divers Parts of Asia and Afrique, London, R.Bi. for Iacob Blome and Richard Bishop.
- Johnson, Francis(1852), Dictionary, Persian, Arabic and English, London, W. H. Allen and Co.
- Maulawi, Fazl-I-Ali (1885), A Dictionary of the Persian and English Languages , Bombay, Education Society's Press.
- Stats, T(1812), A Grammar of Arabic Language.
- Wright, W(1967), A Grammar of Arabic Language, Cambridge, the University Press.

- Ibn Baboyeh, Mohammad bin Ali, Sheikh Sadouq (1398), Kitab al-Tawheed, edited by Seyyed Hashim Hosseini Tehrani, Qom, Al-Nashar al-Islami Publishing House.
- Ibn Arabi, Mohiyaldin, Al-Futuh al-Makkay (Bita), volume 1, Beirut, Al-Al-Bayt (peace be upon him) Foundation for the Revival of Heritage.
- Baghdadi, Abd al-Qadir (1418 AH/1997 AD), Khazara Al-Adab Walab Labab Lasan al-Arab, Volume 1, Cairo, Al-Khanji Library.
- Tahanwi, Mohammad Ali (1996), "Explorer of Al-Funun and Al-Uloom Terms", Beirut, Lebanon Publishing House.
- Tanweer Al-Maqbas Man Tafsir Ibn Abbas (Bita), Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Khoury Shertuti Lebanese, Saeed (1403 AH), Akbar al-Mawdar in Fashah al-Arabiya and al-Shaward, Qom, pamphlets of al-Marashi al-Najafi school.
- Saktwari al-Basnavi, Aladdin (1300 A.H.), Al-Awael lecture and Al-Akher lecture, Bulaq, Egypt, Al-Mitabah Al-Miriya.
- Sheikh al-Saghir, Ali bin Sheikh Zain al-Din (1104 A.H.), Farid al-Alali in Madh al-Mawali. Manuscript, Library of Parliament document number IR10-37641.
- Yazdi Haeri, Ali (1422 AH), Zazam al-Nasab in the proof of al-Hujjah al-Ghaib (Aj), Part 1, Beirut, Al-Alami Foundation.
- Azarnoosh, Azartash; Fani, Kamran; Paktachi, Ahmad (2013), "Alfaba 'Big Islamic Encyclopedia, Volume 2, Tehran, Center of Big Islamic Encyclopedia.
- Bahar, Mohammad Taghi (Malek Al-Shaara) (2006) Stylology, first volume, Tehran. Prasto Books Organization, Amirkabir Publications
- Khaqani, Afzaluddin Ali (1368), Diwan Khaqani, by Seyyed Diyauddin Sajjadi, third edition, Tehran, Zovar Publications.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1377), dictionary, second edition of the new period, Tehran, Tehran University Publishing and Printing Institute.
- Sana'i Ghaznavi, Hakim Abul Majd Majdod bin Adam (1388), Diwan Sana'i, 7th edition, introduction and correction by Mohammad Taghi Modares Razavi, Tehran, Sana'i Publications.
- Ali Khan Wajid (1306 AH), Takhreen Al-Uloom and Majam Al-Funun, Kanpur, India, Nol Menshi Press.
- Moein, Mohammad (1342), Decisive proof, second edition, Tehran, Ibn Sina.
- Naraghi, Ahmed (1380 AH), Al-Khazain, Tehran, Ilmia Islamia.
- Naqvi, Seyyed Bahider Shahyar (1337), Guide to the Urdu language, first volume, Tehran, Tehran University Press.

## **B- Articles**

- Mustafavinia, Seyyed Mohammad Razi; Masoumi, Amir Saleh, "The definite

- article in Arabic and Hebrew Languages", Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature, Winter 1390 AH. Sh., 2011, pp. 41-59.
- Akbarnejad, Mahdi, "Examination and criticism of the document and the text of a hadith interpretation about the cut letters of the Qur'an", two chapters of the scientific-research journal of Hadith Research, Year 5, Number 10, Fall and Winter 2013, 165-178.
- Jamalzadeh, Mohammad Ali (1340), "Abjad, Hoz", Yaghma, No. Mardad 157, Shahrivar 158, Mehr 159.
- Heydari, Gholamreza (2018), "Literary and artistic use of letters" in the poems of Khorasani style poets, Literary Textbook, Year 23, Number 79, Spring, 55-76.
- Heydari, Gholamreza (2018), "Literary and artistic use of the letter A in the field of Persian literature (based on the poems of Jami and Iraqi style poets)", a specialized quarterly of interpretation and analysis of Persian language texts and literature, 226-179.
- Heydari, Gholamreza (1379), "The literary and artistic use of the letter A in the poems of two great storytellers of lyric poems; Nizami and Jami", Persian Literature Chronicle, Institute of Human Sciences and Cultural Studies, 9th year, 1st issue, spring and summer, 113-83.
- Heydari, Gholamreza (2014), "Literary, artistic and visual use of the letter "A" in the field of Persian literature (based on first-rate mystic poets: Sanai, Atar, Molavi, Shah Nematullah Vali)", 8th Persian Language and Literature Research Conference , Bahman, 707-733.
- Radmanesh, Atta Mohammad (2013), "Naf'i La Nafakh Ela Az Nagheh Rumi", Scientific Research Quarterly of Persian Language and Literature, Literature and Irfan, 149-128.
- Sotoudeh, Manouchehr (1363), Future magazine, number 12, 10th year of 1363
- Abdullahi, Hassan (1391), "Mahit al-Af and its writing in Arabic and Persian", Journal of Arabic Language and Literature, Spring and Summer, No. 6, 106-87.
- Faqih, Ali Asghar (1365), Aindeh Magazine, April 12 issue of 1365 Kamrei, Mojtabi (1365), Future Magazine, April issue of the twelfth year

## نبذة تاريخية عن حرف اللام الف (لا)، مكانته و استخداماته

### نوع المقالة: أصيلة

محمد مسعود هاشمي\*، شرارة علا<sup>٢</sup>

<sup>١</sup>دكتوراه في الفيزياء، الباحث في مجال دراسات الأديان، ايران، طهران

<sup>٢</sup>طالبة دكتوراه في الأدب الفارسي جامعة آزاد الإسلامية، ايران، طهران

### الملخص

ما يعرف اليوم بصورة مؤجزة بالهمزة والـ (أ، الف) كان يعرف ويسمى في الماضي بالـ (الف) (الحرف المستقل "لا") في الأبجدية العربية. في هذا المقال، يتناول حرف "لام الألف" الذي مما يبدو اليوم غير مألوف لمعظم الخبراء، بالحروف الهجائية العربية والكوفية في المعنى و التطبيق. لمقارنة الموضوع وشرحه بشكل أفضل، نستعرض شرحاً موجزاً حول الحرف "الف (همزة)" المتواجد في مستهل الحروف الأبجدية، كما نتطرق الى مسيرة "لام الف" عبر التاريخ والعصور. في النهاية، نستعرض كيف استخدم هذا الحرف في الأحاديث الإسلامية. في هذه الدراسة التي أجريتها بالطريقة المكتبية، سوف نبين أنه غالباً ما يكون استبدال الف و لام الف (لا) مع الهمزة و الف، ولكن من الواضح أنه لم يكن يحذف حرف "لا" بصورة نهائية، ولا يزال هذا الحرف يستخدم في الأبجدية والخط الكوفي (الذي يستخدم في مواضعه الخاصة) و الادب العربي، بالإضافة إلى أنه لم يتم حذفه في الادب الفارسي.

وسناقش أيضاً ما إذا كانت "لام الألف" حرفاً واحداً أم حرفاً مركباً حيث أن الاعتقاد الأخير هو الأكثر قبولاً تقليدياً.

**الكلمات الرئيسية:** الأبجدية العربية، الأبجدية الكوفية، لام الف (حرف لا)، الف، همزة.

